



نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن (ارزیابی دینی و علمی)

ابراهیم نوری^۱

لیلا افضلی شیخی^۲

محمد زارعی^۳

چکیده

هدف: هدف از نگارش این نوشتار، نقد مدعای غزالی در مسئله قدرت تعقل زن بود. از نگاه او، زنان در بُعد معرفت عقلی گرفتار نقص ذاتی اند؛ که این مدعا زمینه ساز شبهاتی نسبت به آموزه های دینی است. **روش:** این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای انجام شده است. **یافته ها:** مهم ترین یافته های این پژوهش عبارتند از: عدم نگاه جامع غزالی به آموزه های دینی، فقدان پشتوانه عقلی و مؤیدات نقلی و تجربی، ناسازگاری با روح آموزه های دینی و اندیشه های فلسفی و یافته های روان شناسی و علوم تربیتی. **نتیجه گیری:** غزالی گرچه به انسانیت زن اذعان دارد، ولی او را ذاتاً نسبت به مرد کم بهره تر از قوه تعقل می داند. این نگاه، پیامدهایی مانند ذاتی بودن ردایل اخلاقی و ناتوانی زن در کسب کمال و معرفت را در پی دارد. **واژگان کلیدی:** انسان، زن، ادراکات عقلی، غزالی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

◇ دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۱۰؛ تصویب نهایی: ۹۹/۰۵/۱۲.

۱. دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) / نشانی: زاهدان؛ بلوار دانشگاه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده الهیات و

معارف اسلامی / نمابر: ۰۵۴۳۱۱۳۲۰۰۰ / [Email: enoori@theo.usb.ac.ir](mailto:enoori@theo.usb.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان.

الف) مقدمه

بر اساس آموزه‌های اسلام، زن همچون مرد از شخصیت کامل انسانی، تمایلات معنوی و استعداد دستیابی به کمالات برخوردار است. در تفکر و تعقل و علم‌آموزی - که در آیات و روایات برترین عبادت به شمار می‌رود - مرد و زن تفاوتی ندارند. از نگاه قرآن کریم، انسانها از یک نفس و ملاک برتری آنها یک چیز (تقوای الهی)، هدف آفرینش آنها یکسان و بستر و برنامه کمالشان (شریعت) تفاوتی ندارد. در مسئله معرفت و آموزش نیز زن و مرد برابرند؛ چنان که اسلام علم‌آموزی را بر هر مسلمانی بدون هیچ تفاوتی میان زن و مرد لازم دانسته است. زن همانند مرد، حق‌گزینهش دین و بیان دیدگاه و ابراز عقیده دارد. قرآن کریم از زنانی یاد می‌کند که فراتر از بیان آزادانه مرام و مدعایشان، با پیامبر یا رهبران مسلمان در گفتگو و مباحثات جدی شرکت می‌کردند. (مجادله: ۴-۱؛ ممتحنه: ۱۲-۱۰)

سخن گفتن درباره دیدگاه غزالی (۵۰۵-۴۵۰ ق) در خصوص موضوعات و مسائلی که رنگ و بوی فلسفی دارند، دشوار است؛ زیرا به دلایلی از جمله چند مرحله‌ای بودن حیات علمی و دگرگونی فکری وی که خود باعث ابراز اندیشه‌های متفاوت و ناسازگاری درونی کلمات او در این مسائل به ویژه در مقام جمع میان نقل و عقل شده است، کار را مشکل می‌کند. (فاخوری، ۱۳۸۶: ۵۲۳)

غزالی مقام زن را نسبت به مرد، متنازل و به تعبیری؛ انسان درجه دو می‌داند. وی زنان را در بُعد معرفت عقلی، پایین‌تر از مردان توصیف می‌کند و بر همین مبنا، حضور اجتماعی و تصدی مدیریت آنان را بر نمی‌تابد. او بخشهایی از کتاب کیمیای سعادت، نصیحه‌الملوک و احیاء علوم‌الدین را به موضوع زن اختصاص داده و درباره سرشت و جایگاه او در خانواده و اجتماع و وظایف و حقوق وی اظهار نظر کرده است.

دیدگاه منفی غزالی به جنس زن، در امور فردی و اجتماعی، تا حدود زیادی متأثر از آموزه‌های یهود و مسیحیت است. در گذر تاریخ، پیشوایان یهودی و مسیحی برداشت کمابیش مشابهی داشته و تفاوت زن و مرد را هم در ویژگی‌های تکوینی، هم در موقعیتها و نقشها، هم در آموزش و هم در احکام، از مسلمات دانسته‌اند. گاه نیز پا فراتر نهاده و تفاوتها را به جایگاه انسانی و ارزشی هم کشانده‌اند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۹). قدیس آگوستین، یکی از متفکران نامی قرن پنجم میلادی و از بزرگ‌ترین رهبران دینی مسیحیت، زن را موجودی سست‌بنیان و ماهیتاً فریب‌پذیرتر از مرد می‌داند (همان: ۳۱). این قبیل دیدگاهها در اندیشه‌های برخی متفکران مسلمان، از جمله غزالی تأثیرگذار بوده و زمینه‌ساز تقویت و ترویج نگاه زن‌ستیزانه نسبت به اسلام و دستاویزی برای اندیشه‌های فمینیست افراطی شده است.

بررسی‌های نویسندگان مقاله بیانگر آن است که تاکنون پژوهش مستقلی در این موضوع انجام نشده است. تقریباً همه پژوهشهای انجام‌شده به دیدگاه غزالی درباره جایگاه زن به طور کلی - نه با محوریت بعد

1127 ابراهیم نوری و همکاران

شناختی زن- پرداخته‌اند. مقالاتی درباره‌ی زن از دیدگاه غزالی و جوادی آملی به رشته‌ی تحریر درآمده است؛ مانند مطالعه‌ی تطبیقی جایگاه زن از دیدگاه غزالی و ابن عربی (رحیم‌پور و استکی، ۴). در این مقاله، مقام زن از دیدگاه این دو اندیشمند مقایسه شده و به بعد معرفتی توجهی نشده است. رحیم‌پور (۴) در مقاله‌ای دیگر، دیدگاه غزالی را به طور کلی درباره‌ی زن ارزیابی کرده است. وی در این مقاله اشاره به مقام معرفتی و قدرت عقلی زن ندارد. می‌توان ادعا کرد که پژوهش پیش رو، نخستین پژوهش در مسئله‌ی قدرت تعقل زن از دیدگاه غزالی است که در صدد تحلیل و بررسی و نقد مدعای وی در این باره است.

پرسش پژوهش: دیدگاه غزالی درباره‌ی قدرت ادراک عقلی زن چیست و چه نقدهایی بر مدعای وی وارد است؟

روش: این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و انتقادی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به تحلیل و نقد دیدگاه غزالی در مسئله‌ی شناخت عقلی زن می‌پردازد. پژوهش پیش رو با نگاه مسئله‌محور فقط دیدگاه غزالی را درباره‌ی جایگاه معرفت عقلی زن، واکاوی و ارزیابی می‌کند.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که وجود روایاتی در متون دینی مسلمانان درباره‌ی کوفه‌فکری برخی زنان (ناظر به شخص، نه کلی) از یک سو و جانبداری غزالی از اندیشه‌های ظاهرگرایی نسبت به اندیشه‌های عقلی و فلسفی از سوی دیگر و نیز تأثیرپذیری وی از آموزه‌های عهد عتیق، برخی از عوامل پیدایش چنین دیدگاهی است.

ضرورت پژوهش: درباره‌ی جایگاه زن در آموزه‌های اسلامی، دیدگاه‌های گوناگونی دیده می‌شود. برخی دیدگاه‌ها مقام زن را نسبت به مرد متنازل می‌دانند و چنین وانمود می‌کنند که از نگاه آموزه‌های دینی، جایگاه انسانی و ارزشی زن، از جمله بعد شناختی و عقلی او از مردان پایین‌تر است. این دیدگاه‌ها در قرن‌های اخیر زمینه‌ساز اندیشه‌های فمینیستی و انتساب نگاه زن‌ستیزانه به اسلام شده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه زن از دیدگاه اسلام و نقد برخی دیدگاه‌های پیشینیان که زمینه‌ساز شبهات و نگاه منفی اسلام به زن است، انجام شده است.

ب) زن و ادراک عقلی

مسئله‌ی عقل و ادراکات آن در زنان، از جمله مسائلی است که تا کنون اظهار نظرهای گوناگونی درباره‌ی آن صورت گرفته است. برخی سخنان از مشهورات محض است که بدون مبنای عقلی و علمی در بین مردم شهرت و استمرار پیدا کرده است. همین دیدگاه‌های سطحی، در سخنان برخی دانشمندان هم دیده می‌شود. به نظر می‌رسد یا آنها متأثر از عرف و فرهنگ زمان خود بوده‌اند یا این عبارات ناظر به مصداق ویژه‌ای بوده

1128 ◆ نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن

است؛ یعنی این سخنان از نوع قضایای شخصی‌اند تا حقیقه (علاسوند، ۱۳۹۵: ۲۸-۲۶). از جمله این سخنان نادر، سخن صدرالدین شیرازی است که زن را در ردیف حیوانات می‌داند (صدرالمآلهین، ۱۳۸۳، ج ۷: ۱۳۶). حکیم سبزواری در تعلیق بر اسفار، مدعای صدرا را تأیید می‌کند (همان). وی در جایی دیگر ضمن تأیید ضعف جسمی زن، می‌گوید: یکی از دلایل زودتر مکلف شدن بانوان، آن است که ضعف عقلی (عقل نظری) آنان با اخلاقیات و عقل عملی جبران شود. به گفته ایشان، زن با رسیدن به سن تکلیف، از جنسیت حیوانی پا فراتر نهاده و آدمیت در او تجلی و تحقق می‌یابد و اینجاست که بار امانت و تکلیف الهی بر دوش او به عنوان یک انسان نهاده می‌شود (سبزواری، ۱۳۶۱: ۳۶-۳۵، ۴۳۳-۴۳۱). همچنین محی‌الدین عربی، معروف به شیخ اکبر و پدر عرفان نظری، به نقصان زنان نسبت به مردان در اصل ایجاد معتقد است؛ هر چند آنها را در انسانیت مشترک می‌داند. (ابن عربی، ۱۳۹۲: ۴۹)

غزالی بر این باور است که ارزش و منزلت زن ذاتاً و از بدو آفرینش پایین‌تر از مرد است؛ چنانکه شأن حوا پایین‌تر از حضرت آدم علیه‌السلام بوده است. وی نسبت آدم به حوا را همانند نسبت عقل کلی به نفس کلی اولی می‌داند و همان‌گونه که عقل کلی کامل‌تر و والاتر از نفس کلی است، آدم نیز نسبت به حوا کامل‌تر و از جایگاه والاتری برخوردار است. (غزالی، ۱۴۱۶: ۲۳۲)

وی گاهی به روشنی در این موضوع اظهار نظر می‌کند و گاه از لابه‌لای روایات و حکایاتی که درباره زنان نقل می‌کند، دیدگاهش به دست می‌آید. غزالی همانند ابن سینا و بسیاری از حکما، عقل را یکی از قوای نفس می‌داند؛ از این رو، ضروری است تحلیل دیدگاه او، از نفس شروع شود.

۱. نفس از دیدگاه غزالی

غزالی در مسئله نفس، گاهی به ارسطو و فارابی و ابن سینا و گاه به افلاطون نزدیک می‌شود. وی در تهافت الفلاسفه، دیدگاه فلاسفه را درباره نفس به شدت نقد می‌کند؛ ولی در سایر تألیفاتش تقریباً دیدگاه ابن سینا را می‌پذیرد و همانند او نفس را از جسد متمایز می‌داند. (فاخوری، ۱۳۸۶: ۵۶۳)

غزالی در برخی آثار خود چهار اصطلاح را برای نفس ذکر می‌کند: روح، قلب، عقل و نفس. وی هر یک از این اصطلاحات را دارای دو کاربرد می‌داند (غزالی، ۱۴۰۹: ۴۳-۴۱). در کیمیای سعادت، جسم یا عرض بودن نفس را رد کرده، آن را گوهری از جنس فرشتگان می‌داند (همو، ۱۳۶۱: الف: ۱۷). دیدگاه غزالی درباره نفس تقریباً همان دیدگاه حکمای پیشین است و بر آن است که آنچه درباره نفس در سنت فلسفی مطرح است، با سنت دینی سازگار است (همو، ۱۳۸۲: ۲۹۷-۳۰۳). وی مانند فارابی و ابن سینا و دیگر حکمای اسلامی بر این باور است که انسان از دو بعد متمایز جسم و روح تشکیل شده است که اصالت با روح اوست. وی این دیدگاه ابن سینا در تعریف نفس را که می‌گوید: «بأنها جوهر قائم بذاته لا عرض من اعراض الجسم و... بأن

ابراهیم نوری و همکاران ♦ 1129

النفس جوهر روحانی قائم بذاته» می‌پذیرد و همانند او نفس را دارای استعدادها و قوای گوناگون می‌داند. (همو، ۱۴۱۶: ۵۴۲)

غزالی نفس را جوهری روحانی (غیر مادی)، متمایز از جسم، حادث و فناپذیر می‌داند. وی در شرح سخن پیامبر که «خداوند روح را به صورت خود آفرید»، می‌گوید: «این به ذات و صفات بازگردد. و حقیقت ذات روح این است که به ذات خود قائم است. نه عرض است و نه جسم است و نه جوهر متحیز است و نه در مکان و جهت حلول کند و نه متصل است به بدن و عالم و نه منفصل. نه داخل در بدن و عالم است و نه خارج از آن. و همه اینها صفات ذات باری تعالی هستند. اما صفات نفس: عالم، قادر و مرید و سمیع و متکلم آفریده شده، و خدای تعالی نیز چنین است. اما افعال، مبدأ فعل آدمی اراده است... و تصرف آدمی در عالم خود شبیه است به تصرف خدای سبحان در عالم اکبر». (همو، ۱۹۹۴: ۳۱-۳۴)

۲. عقل، معانی و کاربردهای آن از دیدگاه غزالی

غزالی دربارهٔ عقل و احکام، معانی و کاربردهای آن به صورت شفاف و طبقه‌بندی شده سخن نمی‌گوید؛ ضمن آنکه پرداختن به عقل و کاربردها و احکام آن از دیدگاه غزالی در این پژوهش نمی‌گنجد. البته در این مسئله، پژوهشهای اندکی انجام شده است. (ر.ک: پورسینا، ۱۳۸۸)

از یک نظر می‌توان گفت غزالی برای عقل، چهار معنی ذکر کرده است:

- صفتی که وجه تمایز انسان از سایر حیوانات است که به وسیلهٔ آن امور نظری را ادراک می‌کند.
 - علوم و دانشهایی که انسان در سن بلوغ و تمیز، واجد آنها می‌شود؛ مانند علم به امتناع آنچه ممتنع است.
 - علمی که انسان از طریق تجربه کسب می‌کند؛ برای مثال انسان باتجربه، عاقل خوانده می‌شود و کسی که از تجربه‌های گوناگون بی‌بهره بوده، جاهل معرفی می‌شود.
 - شناخت عواقب امور و دفع امور فاسد. شخصی که به این مرحله برسد، عاقل خوانده می‌شود و این قوه از خواص انسان است و او را از سایر حیوانات جدا می‌کند.
 - غزالی این چهار معنی را مترتب بر هم می‌داند که معنی اول و دوم بالطبع در انسان وجود دارد و معنی سوم و چهارم اکتسابی است. (غزالی، ۱۹۹۸: ۴۱؛ ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰: ۳۳۸)
- با نگاهی دیگر بر اساس سخنان غزالی در مسئلهٔ عقل، سه کاربرد متمایز قابل استنباط است:
- عقل به عنوان نفس عاقله، که در حکم فصل ممیزهٔ انسان از سایر حیوانات است. به عبارت دیگر؛ در این کاربرد، عقل همان نفس عاقله است.
 - عقل به عنوان مرتبه‌ای از مراتب معرفت انسان؛ مرتبه بالاتر از حس و پایین‌تر از قلب یا مرتبه نبوی معرفت. این مرتبه که کاربرد اخص عقل است، از آن به عنوان «عقل استدلالگر» هم تعبیر می‌شود.

1130 ♦ نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن

- عام‌ترین کاربرد عقل در کلمات غزالی، اطلاق آن به کل مرتبه انسانی در معرفت است؛ یعنی همه مراتب معرفت - از عقل استدلالی تا مرتبه معرفت کشفی - را در بر می‌گیرد. عقل در این کاربرد، دارای مراتب و جلوه‌های گوناگون است. (غزالی، ۱۳۸۷: ۱۰۵-۱۰۲؛ پورسینا، ۱۳۸۸)

۳. انسان و قوه عاقله

غزالی انسانیت انسان و امتیاز او بر دیگر مخلوقات زمینی را به قوه عقل می‌داند و می‌گوید: خداوند هر چیزی را برای رسیدن به کمالی آفریده است؛ حیوانات کمالی دارند که محرومیت از آن باعث نابودی آنها می‌شود. همچنین خداوند برای انسان نیز کمالی قرار داده، بعضی گمان می‌کنند که کمال انسان، خوردن و خوابیدن و جماع است و بعضی دیگر گمان می‌کنند کمال انسان به قهر و غلبه و استیلا او بر دیگران است؛ در حالی که در این موارد حیوانات از انسان برتر و کامل‌ترند. پس دلیل برتری و شرافت انسان بر دیگر مخلوقات چیست؟ خداوند متعال آنچه در حیوانات است، به انسان هم داده؛ اما چیزی که او را ممتاز می‌کند، «عقل» است و این کمال انسان است (غزالی، ۱۳۶۱/الف: ۵۸). با صفت تعقل است که همه مخلوقات الهی مسخر اویند: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ...» (حج: ۶۵).

وی می‌گوید: حقیقت آدمی به کمال اوست و کمالش به عقل است و صفات دیگر انسان در خدمت قوه عاقله است. صفاتی مثل غضب و شهوت و غیره با مرگ انسان از بین می‌روند، اما جوهری نورانی و آراسته به معرفت حق تعالی تا قیامت با او خواهد بود و انسان با چنین صفتی، مقرب در گاه الهی خواهد بود (غزالی، ۱۳۶۱/الف: ۵۹): «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: ۵۵).

غزالی در مقام بیان اشرافیت و امتیاز انسان بر دیگر حیوانات و مخلوقات به سبب قوه عاقله، سخنی از جنسیت انسان به میان نمی‌آورد، بلکه به صورت مطلق سخن می‌گوید و زن و مرد را در انسانیت، یکسان و اشرف مخلوقات می‌داند و هلاکت و نقصان انسان را - چه مرد چه زن - فرو رفتن در شهوات و کناره‌گیری از صفات عقلانی و اخلاقی می‌داند. وی بر این باور است که انسانها بر فطرت الهی خلق شده‌اند و می‌توانند با ریاضت و مجاهدت، مقرب در گاه الهی شوند و در آن هنگام، ملکوت آسمان و زمین را به وی نشان خواهند داد. او می‌گوید فطرت پاک الهی و تقرب به خداوند مخصوص پیامبران نیست، بلکه همه انسانها واجد این استعدادند: «گمان مبر که این پیامبران مخصوص است؛ که گوهر همه آدمیان در اصل فطرت، شایسته این است...» (غزالی، ۱۳۶۱/الف: ۶۱)

در اهمیت عقل نزد غزالی همین بس که وی اثبات اصالت شرع را در گرو عقل می‌داند. او میان عقل و شرع، اصل و فرع قائل نیست و هر دو را اصل می‌داند و می‌گوید: شرع جز از طریق عقل ثابت نشده است؛ زیرا اگر دلیل عقلی صادق نمی‌بود، میان پیامبر و پیامبرنما و میان صادق و کاذب فرقی نمی‌نهادیم (مهر، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳). غزالی در جایی دیگر، عقل و دین را جدایی‌ناپذیر دانسته، می‌گوید: این هر دو اصل را باید با هم

ابراهیم نوری و همکاران ◆ 1131

جمع کنی؛ زیرا علوم عقلی مانند غذا هستند و علوم شرعی همانند درمان و شخص مریض با خوردن غذا و فرو گذاشتن درمان ضرر می‌کند و اگر کسی فقط به علوم شرعی بسنده کند، به دلیل اینکه گاه آنها را ناقص و مخالف هم می‌بیند، دچار سرگردانی شده، از دین زده می‌شود و از آن جدا می‌شود. (همان)

۴. زن و قوه عاقله

غزالی همانند بسیاری از حکمای مسلمان، جوهر وجود انسان را قوه عاقله وی دانسته و در اصل وجود قوه عقل در نوع انسان تردید ندارد؛ اما ضعف و کمال عقل در انسانها را مانند اصل قوه عاقله، ذاتی می‌داند و با چنین مبنایی درباره ادراکات عقلی زنان اظهار نظر کرده، مقام و مرتبه زن را در این باره فروتر از مرد دانسته است.

غزالی با وجود اذعان به این اصل که عقل موهبتی است الهی که به همه انسانها اعطا شده است، زنان را در این قوه، ناقص می‌داند. وی در بیان حقوق زن بر شوهر، به مردان توصیه می‌کند به سبب قصور عقل زنان، ضمن مدارا با آنان، هرگز با ایشان مشورت نکنند و چنانچه مشورت کردند، خلاف رأی آنان عمل نکنند، و گرنه خسران می‌بینند (غزالی، ۱۳۶۱/ب: ۲۸۵). غزالی در جایی دیگر، آداب و حقوقی برای زن قائل است که شوهر باید رعایت کند؛ وی می‌گوید: آدابی که در نکاح، زوج باید در حق زوجه رعایت کند، اول ولیمه، دوم خوشخویی با زن است؛ یعنی ایشان را تحمل کنند و بر آنان ترحم روا دارند به خاطر قصور عقلشان و اینکه آنان اسیر در دست مردها هستند. (همو، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸۸-۸۷)

غزالی بر آن است که برخی عیوب زنان مانند نقص عقل و بدخویی و... ریشه کن نمی‌شوند و می‌گوید: در خبر است که زن مانند استخوان پهلوی، کج است و اگر بخواهی آن را راست کنی، می‌شکند. پس مرد باید با زن بسازد و این باعث تهذیب اخلاق مرد می‌شود. (همو، بی‌تالف، ج ۲: ۴۷-۴۳)

شاید بتوان گفت که اعتقاد غزالی به قصور ذاتی عقل زنان، موجب شده که وی قائل به تفاوت استعدادها از آغاز آفرینش انسان شود و چون زنان را ناقص‌العقل می‌داند، آموزش آنها را بی‌فایده می‌شمارد و آموزش همه علوم را صرفاً حق مردان می‌داند و برای زنان جز یادگیری واجبات احکام خودشان، حق آموزش و یادگیری قائل نیست. (همو، ۱۳۶۱/الف: ۲۵۱)

ج) نقد دیدگاه غزالی

۱. ناتوانی کسب معرفت

غزالی با استناد به آیه میثاق (اعراف: ۱۷۲) می‌گوید: علوم به صورت غریزی و فطری در بشر وجود دارد و در شرایط مناسب ظهور می‌کند. از نگاه او، انسان در سیر استکمالی و رسیدن به معرفت، نیازمند آموزش و

1132 ♦ نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن

پرورش است. وی استعداد انسانها را در این زمینه، از بدو آفرینش متفاوت می‌داند؛ با این استدلال که نفس پیغمبر به عنوان یک انسان، بی‌نیاز از تحصیل و تعلیم است و در نفس برخی انسانها انواع تعلیمات مؤثر نمی‌افتد. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰: ۳۴۰)

غزالی قول به تفاوت عقول و نفوس را در آغاز خلقت، نزدیک‌تر به مذاق شریعت دانسته تا قول به تساوی آنها در میان مردم. البته وی در این مسئله در کتاب معراج‌القدس از روی احتیاط سخن می‌گوید. (غزالی، ۱۴۰۹: ۴۶)

حال این سؤال مطرح است که بر اساس همان آیاتی که غزالی علوم و معارف را فطری انسان می‌داند، با توجه به اطلاق آیات، چگونه می‌توان برخی انسانها (زن) را فاقد استعداد ذاتی کسب علم - همانند مردان - دانست؟ بر فرض اینکه شدت و ضعف‌پذیری استعداد انسانها در تحصیل علوم و معارف پذیرفته شود، چگونه می‌توان جنس زن را فاقد استعداد ذاتی دانست؟ آیا قرینه‌ای که انسانهای فاقد استعداد، صرفاً زنانند، وجود دارد؟

در آموزه‌های دینی، خیر و دینداری در گرو عقل است؛ به گونه‌ای که دین و عقل از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند: «أَمَّا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» (ابن شعبه حرانی، ۲۰۰۲: ۵۴)؛ یعنی دیانت زن به عنوان یک انسان، بر پایه رشد عقلی و متناسب با معقولات اوست. مهم‌ترین منبع تغذیه عقل، علوم و معارف الهی است. حال با عنایت به این حقایق، آیا می‌توان پذیرفت که خالق انسان و شریعت، انسان مکلف را ذاتاً فاقد شرط لازم رسیدن به معرفت، ایمان، یقین و عمل صالح که شرط تحصیل کمال است، بیافریند؟! چگونه ممکن است زن و مرد با یک هدف آفریده شوند (عبودیت)، ولی یکی ذاتاً فاقد شرایط وصول به هدف مد نظر باشد؟!

۲. تبعیض در تربیت فرزند دختر و پسر

غزالی از محدود دانشمندان متقدم است که به مسئله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) توجه ویژه داشته است. وی همه رساله ایهاالولد را به تعلیم و تربیت اختصاص داده و در کیمیای سعادت و احیاء علوم‌الدین طی فصلی به این موضوع پرداخته است (غزالی، بی‌تا/الف، ج ۳: ۱۹۶-۴۷؛ همایی، ۱۳۹۷: ۳۹۸-۳۹۷). اما آنچه در این منابع از ظاهر گفتار غزالی در تربیت فرزند و اهمیت آن فهمیده می‌شود، تربیت فرزند پسر است. چنانکه در آداب لباس پوشیدن کودک می‌گوید: «و جامعه سپید را اندر چشم وی بیاراید و جامعه ابریشم و رنگین را نکوهیده دارد... که این کار زنان باشد نه کار مردان...». در جایی دیگر می‌گوید: «چون معلم، وی را بزند، فریاد و جزع نکند و صبر کند؛ چرا که این کار مردان است و فریاد و جزع کار زنان و پرستاران باشد». (غزالی، ۱۳۶۱/الف: ۴۲۳)

1133 **◆** ابراهیم نوری و همکاران

این سخن غزالی ضمن اشمال بر نگاه تبعیض آمیز در مسئله تعلیم و تربیت، از چند نظر قابل تأمل است. بر فرض اینکه تربیت فرزند پسر مهم تر باشد، به گفته خود غزالی مهم ترین رکن تربیت فرزند، مادر است؛ حال اگر فرزند دختر که مادر آینده است، بدون تعلیم و تربیت رها شود یا در تربیت او کوتاهی و سهل انگاری شود، آیا فرزندان پسری که در دامن او متولد و رشد می کنند، بستر مناسبی برای رشد و کمال خواهند داشت؟ بنابر این، بر فرض اینکه همانند غزالی بر نقش مادری بانوان به طور ویژه تأکید کنیم، نباید از آموزش و پرورش فرزند دختر غافل شد. دختران امروز، مادران آینده اند و بی توجهی در آموزش و پرورش آنان، پیامدهای جبران ناپذیری در تربیت فرزندان پسر در پی خواهد داشت.

۳. ذاتی بودن اخلاق ردیله در زن

غزالی همانند بوعلی بر این باور است که نفس انسان بر خلاف سایر حیوانات دارای دو قوه عقل و اراده است و قوه عاقله انسان سرمنشأ ادراک و اراده اوست. حیوانات نیز اراده دارند، ولی ریشه در غضب و شهوت آنها دارد. نفس انسان دارای امیالی همچون غریزه، غضب و شهوت نیز می باشد که با حیوانات مشترک است. اگر قوای عملیه مانند غضب و تمایلات غریزی با عقل و اراده به خوبی مدیریت نشوند، افعالی از جنس اخلاق ردیله یا گناه از انسان سر می زند و اگر کنترل شوند، باعث فضیلت یا حسن خلق خواهند بود. (غزالی، بی تا/ب: ۲۸-۲۶، ۵۶-۵۵؛ اسفراینی نیشابوری، بی تا: ۵۰۷-۵۰۶)

از نگاه غزالی، زن دارای سرشتی بد است که توان مدیریت و هدایت تمایلات غریزی خویش را ندارد، هر لحظه در معرض فساد است و هر مردی به راحتی می تواند او را به فساد بکشاند. او هیچ گاه نمی تواند در برابر سخن هوس آلود مردان مقاومت کند و اگر خداوند او را حفظ نکند، به ناچار به گناه می افتد (غزالی، ۱۳۶۱/ب: ۲۷۳-۲۶۸). این باور از آنجا ناشی می شود که وی قائل به نقص ذاتی عقل زنان است که نمی توانند تمایلات غریزی را کنترل کنند. در نتیجه، ردایل اخلاقی در زنان پدید می آید و از آنجا که به باور وی عقل زن ذاتاً نقص دارد، پس ردایل اخلاقی هم ذاتی آنان خواهد بود. حال با توجه به فلسفه بعثت پیامبران و انزال شرایع که همه انسانها (زن و مرد) مخاطب و مکلف به پیروی عملی و نظری از آموزه های ایشان می باشند، باید پرسید که چنین موجودی چگونه مکلف به تهذیب و تزکیه و رسیدن به مقام عبودیت است؟ آیا مخلوقی که نقیصه ذاتی دارد، می تواند بر خلاف اقتضای ذاتش مسیر کمال را طی کند؟ آیا مکلف بودن چنین موجودی به تزکیه و طی طریق کمال، تکلیف به مالایطاق نیست؟ البته غزالی همانند سایر متکلمان اشعری، تکلیف به مالایطاق را مجاز می داند؛ که البته نقد این مبنا در اینجا میسر نیست.

۴. ناسازگاری با آیات و روایات

آنچه غزالی درباره نقصان ذاتی زن می گوید به طور کلی با روح دین اسلام و در مواردی با ظاهر برخی آموزه های دینی ناسازگار است. در آموزه های قرآنی، فضایل و ردایل اخلاقی و انسانی برای زن و مرد

1134 ♦ نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن

یکسان است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ» (احزاب: ۳۵). در این آیه و آیاتی دیگر، زن و مرد از نظر روح انسانی یکی‌اند، عمل صالح آنان دارای پاداشی یکسان و شرط رسیدن آنها به حیات طیبه دو چیز است: عمل صالح (حُسن فعلی) و مؤمن بودن روح (حُسن فاعلی). (نحل: ۹۷)

قرآن بر شخصیت انسانی زن تأکید کرده و او را در ردیف مردان قرار می‌دهد و به طور کلی، به عمل صالح همراه با ایمان پاداش می‌دهد؛ چه از جانب زن باشد، چه مرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۰۸). قرآن با معرفی الگوهای برتر مانند یوسف (ع)، مریم (س) و... نشان می‌دهد که زن و مرد را در شخصیت انسانی یکسان می‌داند؛ به طوری که هر دو قابلیت رسیدن به کمال را دارند و با عمل می‌توانند به فضایل و کمال برسند.

علامه طباطبایی می‌گوید: تجربه این را ثابت کرده که مرد و زن، دو فرد از یک نوع به نام انسان‌اند؛ زیرا همه آثار انسانیت مانند سخاوت، علم، شجاعت و... که در مرد مشاهده شده، در صنف زنان نیز یافت شده است. پس زن نیز انسان است و وجود شدت و ضعف در بعضی صفات انسانی در نوعیت آن فرد خللی وارد نمی‌کند. بنابر این، رسیدن به هر نوع کمال که برای یک فرد از آن نوع ممکن و میسر باشد، برای دیگر افراد آن نوع نیز امکان‌پذیر خواهد بود و از این رو، زن و مرد در رسیدن به کمال و قرب الهی یکسان‌اند و آیه «أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» (آل عمران: ۱۹۵) این معنا را به خوبی افاده می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۴۰)

اگر تفاوت‌هایی در برخی تکالیف و احکام میان زن و مرد دیده می‌شود، یکی از عوامل تفاوت این است که روح بشر تجرد نفسی دارد، در عمل نیاز به ابزار مادی مطرح است و بدن و قوای بدنی ابزار روح انسان‌اند و چون این ابزار یعنی بدن و شئون ادراکی و تحریکی اعم از ظاهری و باطنی، در مرد و زن یکسان نیست، تکالیف و حقوق و وظایفشان هم متفاوت است و این به معنای تبعیض نیست و به انسانیت که وجه مشترک زن و مرد است، آسیبی نمی‌رساند. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۲۱)

در منابع اسلامی عقل دارای تقسیمات گوناگونی است؛ از یک نظر عقل را به مطبوع و مسموع تقسیم کرده‌اند. منظور از عقل مطبوع، همان قوه ادراک است که در سرشت همه انسانها نهفته است. عقل مسموع جنبه اکتسابی دارد و با تلاش و آموزش و پرورش فعلیت می‌یابد. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۵، ۳۸)

آنگاه که سخن از تفاوت عقلی زن مرد به میان می‌آید، منظور عقل مطبوع است. در این باره به طور کلی سه دیدگاه قابل استنباط است: دیدگاه اول بر آن است که کاستی و ضعف عقل زن و به تبع آن افزایش احتمال لغزش او، ریشه در طبیعت و سرشت زن ندارد؛ بلکه معلول اوضاع اجتماعی و فرهنگی است. با توجه به عدم حضور بانوان در محیط‌های عمومی و عدم مشارکت در تعاملات اجتماعی - به ویژه در ادوار گذشته - این امر باعث عدم شکل‌گیری ذهنیت اجتماعی و پختگی فکری آنان شده است (امینی،

ابراهیم نوری و همکاران ♦ 1135

۱۳۸۴: ۱۵۸). دیدگاه دوم، زن و مرد را در اصل بهره‌مندی از استعداد عقلی یکسان می‌داند؛ ولی با توجه به قدرت احساسات و عواطف در بانوان، کارکرد عقل آنان اندکی تضعیف می‌شود (سیدقطب، ۱۹۸۸، ج ۱: ۳۳۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۲۴-۲۰). دیدگاه سوم بر این باور است که منشأ تفاوت عقلی زن و مرد، سرشت و طبیعت آنهاست؛ یعنی به صورت تکوینی متفاوت آفریده شده‌اند. هر دو در انسانیت، کامل و مکمل یکدیگرند. (طباطبایی، ۱۹۸۳، ج ۲: ۲۷۵)

۵. ناسازگاری با دیدگاه‌های حکما

فلاسفه انسان را به حیوان ناطق تعریف می‌کنند و حقیقت او را نفس ناطقه می‌دانند که جنسیت در آن مطرح نیست. ابن سینا تفاوت زن و مرد را امری عرضی می‌داند، نه ذاتی. به گفته وی، مذکر و مؤنث دو صنف‌اند که تحت یک نوع (کلی ذاتی) قرار گرفته و فقط در امور عرضی متمایز می‌شوند (ابن سینا، ۱۴۲۸، ج ۱: ۲۲۲). او تفاوت‌های زن و مرد را ملاک داوری ارزشی نمی‌داند. کاستی عقل زنان را قبول دارد، ولی آن را مغل به انسانیت او نمی‌داند. در برخی صفات اخلاقی تفاوت‌های آنها را منطقی ارزیابی می‌کند؛ برای مثال، زیادی حیای بانوان و صفاتی چون مهربانی و انقیاد را شایسته زن و هیبت را سزاوار مرد می‌داند. (همو، ۱۳۴۷: ۳۱-۳۵)

افلاطون بر آن است که زن و مرد از استعداد مشترک برخوردارند. همه استعداد‌های مردان در زنان نیز در سطح پایین‌تری وجود دارد. تفاوت استعداد‌هایشان جنبه کمی دارد نه کیفی. بر همین اساس می‌گوید: نباید نظام آموزشی آنان جدا باشد، زنان باید پا به پای مردان در همه تمرین‌ها از جمله اسب‌سواری و ورزش شرکت کنند. قانونگذاران جامعه که زنان را دوشادوش مردان، وادار به مشارکت در همه کارها نمی‌کنند، خطای بزرگی مرتکب می‌شوند. او قوانین سهل‌گیرانه برای مشارکت بانوان در امور جامعه را می‌پذیرد و الزام و اجبار بانوان به همراهی با مردان در همه فعالیت‌های اجتماعی را بر نمی‌تابد. (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۶۱)

همین نگاه نسبت به زن، در کلام ابن رشد (۱۱۹۸-۱۱۲۶ م) نیز دیده می‌شود. به اعتقاد وی، زنان از همه استعداد‌های مردان همچون: جنگ‌آوری، فلسفه‌آموزی و... برخوردارند، ولی در سطحی پایین‌تر، زنان همانند مردان می‌توانند حاکم بشوند. از نگاه ایشان، تفاوت زن و مرد در علم و عمل، بیشتر از آنکه ناشی از سرشت آنها باشد، ریشه در ظلم تاریخی دارد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۵)

فارابی بر آن است که هیچ فرد انسانی ذاتاً واجد معرفت کافی یا لازم برای دستیابی به کمال نیست، همچنان که هیچ انسانی فطرتاً دارای فضایل و رذایل اخلاق نیست؛ بلکه تنها استعداد و زمینه تحصیل آنها در همه انسانها - بدون تفاوت در مردان و زنان - وجود دارد. انسانها نسبت به سرنوشت و سعادت خویش، نیازمند راهنما و آموزگار می‌باشند. (فارابی، ۱۳۶۶: ۷۸؛ همو، ۱۴۰۵: ۳۲-۳۱)

1136 ◆ نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن

از دیدگاه حکما و متکلمان مسلمان، عقل موهبت الهی است که انسان در پرتو آن به ضرورت وحی و رسالت و لزوم پیروی از آنها پی می‌برد. با عقل، پیروی از شریعت و وصول به حقیقت و رهایی از بند شهوت و غریزه حاصل می‌شود و تحول و تکامل انسان عینیت می‌یابد. چنانچه برخی انسانها (به گفته غزالی، زنان) گرفتار نقصان ذاتی عقل باشند، وجوب پیروی از شریعت و توصیه به کسب معرفت خدا و... به حکم عقل بی‌ثمر خواهد بود.

عقل و برهان عقلی، معیار و راه صحیح دین‌شناسی و تشخیص حق از باطل است؛ زیرا دین یک حقیقت فطری و عقلانی محض است. دو شأن اساسی در انسان وجود دارد: عقل نظری که با آن می‌فهمد و عقل عملی که با آن کار انجام می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۱۵)

جنسیت در هویت انسانی هیچ تأثیری ندارد. گرچه انسان متشکل از جسم و روح است، ولی هویت و حقیقت وجود انسان، روح اوست که مرد و زن بودن در آن مطرح نیست: «قرآن کریم حقیقت انسان را روح او دانسته، نه جسم و نه مجموع جسم و روح. در واقع؛ بدن را ابزار روح می‌داند... قرآن ارزشها و ضد ارزشها را نام می‌برد؛ مثلاً علم و ایمان و... را ارزش و جهل و کفر و... را ضد ارزش می‌داند؛ ولی این اوصاف را نه مذکر و نه مؤنث می‌نامد. عقل نظری که وصفش اندیشه و علم است و عقل عملی مانند اراده و خلوص و صبر و... هیچ کدام نه مذکرند نه مؤنث و موصوف این اوصاف، بدن و جسم انسان نیست؛ یعنی بدن انسان، مسلمان یا کافر یا عالم یا جاهل یا... نیست. بنابر این، دو صنف زن و مرد نه مساوی‌اند و نه متمایز و اصلاً دو صنفی در کار نیست و موضوعی برای بحث تساوی یا تفاوت وجود ندارد؛ زیرا تساوی و تفاوت از نوع عدم و ملکه هستند نه سلب و ایجاب تا رفع هر دو مستلزم رفع نقیضین باشد. از طرفی، وقتی تعدد و کثرتی نیست، تساوی و تفاوت هم معنایی ندارد. پس نفس و روح انسانی ملاک ارزش است که آن هم منزّه از مذکر یا مؤنث بودن می‌باشد... پس جریان مذکر و مؤنث بودن اصلاً در مورد روح مطرح نیست تا بحث شود که در انسانیت انسان دخیل است یا خیر. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۶)

استاد مصباح یزدی نیز نفس (روح) را فراتر از آن می‌داند که تذکیر و تأنیث به ساحت آن راه داشته باشد و روح را فاقد چنین اعراضی دانسته، مذکر و مؤنث بودن را مختص به بعد جسمانی انسان می‌داند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۲۷)

در روایات، عقل ابزار عبودیت و راهیابی به بهشت است: «أَنَّ الْعَقْلَ مَا عَبَدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ يَكْتَسِبُ بِهِ الْجَنَّةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۲۲۴). اگر عقل شرط لازم رسیدن به بهشت است بر اساس سخن معصوم: «الجنة تحت اقدام الامهات»؛ شأن مادران بالاتر از بهشت بوده و آنان هم از عقل بهره‌مندند که به چنین جایگاهی رسیده‌اند و چه بسا عقلانیت آنان برتر از دیگران باشد.

1137 **◆** ابراهیم نوری و همکاران

چنانچه عقل در انسان ظهور نکند، جهل حاکم می‌شود. جاهل قبل از اینکه دیگران را گرفتار کند، خود را به دام می‌اندازد. با پرورش و رشد عقل، خواسته‌های درونی بشر تحت نظارت آن کاملاً تعدیل می‌شوند. در نتیجه، در انسان خواسته‌ها و خواهشهایی که موجب درگیری و تراحم با خود و دیگران شود، پدید نمی‌آید (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۷۹). با عقل، علم و عمل انسان عقال می‌شود و از تحت فرماندهی هوی و هوس بیرون می‌آید و در مسیر کمال قرار می‌گیرد و اگر انسان به پرورش، تربیت، تقویت، توسعه و شکوفایی عقل خود نپردازد و فقط به حقایق حسی معتقد باشد و از مرز اعتدال خارج شود، بر اثر عدم تربیت عقلانی در سراسیمگی سقوط و انحطاط قرار می‌گیرد. (همو، ۱۳۸۲، ج ۱۵: ۱۷۲)

۶. ناسازگاری با حکمت الهی

اقتضای حکمت الهی آن است که مخلوقات او هیچ مانعی سر راه کمال نداشته باشند که آنها را از رسیدن به آن باز دارد؛ نیز خیرخواه محض بودن ذات اقدس باری تعالی مشعر و مثبت آن است که او هرگز از کمک و فراهم کردن شرایط تحصیل کمال دریغ نمی‌کند؛ چنانکه رسولان ظاهری (پیامبران و ائمه) را فرستاد تا مکمل رسول باطنی و مدد رسان او در تحصیل کمال باشند. بنابر تصریح آیات و روایات، انسان موجودی کمال‌خواه است و به حکم عقل و شرع، شرط دستیابی به کمال، معرفت آن است. در این باره (کمال‌نهایی) آموزه‌های دینی هیچ تفاوتی میان زن و مرد مطرح نکرده‌اند؛ حال چگونه ممکن است چنین خالقی برخی انسانها (زنان) را ذاتاً فاقد شرایط کافی درک و دریافت پیام الهی برای رسیدن به کمال آفریده باشد! تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، انکار ناشدنی است؛ ولی تفاوت‌ها حکیمانه و هدفمندند و شدت و ضعف برخی استعدادها در مرد و زن به معنای برتری یا نقص ذاتی دیگری نیست.

علوم و معارف، چه حصولی و چه شهودی، اکتسابی‌اند و خداوند به همه انسانها استعداد کسب علم و معرفت عطا فرموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۲۳). از آنجا که علوم و معارف پایه کمال انسان‌اند؛ بنابر این، یادگیری علوم به منظور رسیدن به کمال مد نظر شارع، حق مسلم زن و مرد است؛ زیرا خداوند انسان را برای رسیدن به کمال خلق کرده است. (همان: ۴۲۴)

۷. ناسازگاری با دیدگاه‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی

یکی از مسائل مورد توجه روان‌شناسان و دانشمندان علوم تربیتی، رابطه هوش و جنسیت است. البته در این علوم هیچ بحثی با عنوان تعقل و قدرت ادراک عقلی انسان به میان نیامده است، چنین بحثی ماهیت فلسفی دارد.

اگرچه پژوهشهایی درباره رابطه هوش و جنسیت انجام شده، ولی نتیجه آنها فراتر از حدس و فرضیه نبوده است. از قرن هفدهم میلادی به بعد، شاهد بروز دیدگاه‌های متفاوتی درباره طبیعت زن هستیم که برخی از آنها با باورهای سنتی تعارض دارند. این عقیده که میان زن و مرد تفاوت تکوینی و وجودی است،

1138 ◆ نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن

رنگ باخت. بیشتر دانشمندان ضمن تأکید بر برابری زن و مرد، آنان را در جسم و روح و روان یکسان می‌دانستند و می‌گفتند طبیعت به هر دو جنس، حق معرفت مساوی و در نتیجه، وظایف یکسان اعطا کرده است. گفته می‌شد روح جنسیت ندارد و تمایز روحی زن و مرد باید بر اساس الگوهای متفاوت آموزشی و پرورشی تبیین شود. بر همین مبنا، برخی فیلسوفان خواستار حقوق اجتماعی و سیاسی یکسان برای زن و مرد بودند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۴)

در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهشها بیانگر این است که تفاوت معناداری در هوش و قدرت یادگیری میان دختران و پسران (زن و مرد) وجود ندارد. این پژوهشها به شیوه‌های مختلف معتبر و مبتنی بر اصول علمی توسط پژوهشگران روان‌شناسی و علوم تربیتی و مشاوره انجام شده و مدّعی مشترک و کانونی آنها این است که اولاً، تفاوت محسوس و معناداری در قدرت عقلی و معرفتی زن و مرد وجود ندارد؛ ثانیاً، اگر در مواردی بین مرد و زن تفاوتی جزئی در قدرت سخنوری، نقد و تحلیل عقلی، فهم ریاضی، قدرت ارتباط‌گیری و... مشاهده می‌شود، ناشی از عوامل محیطی، فرهنگی، اجتماعی و تربیتی است. (حسینی‌نسب، ۱۳۸۲؛ حجازی، ۱۳۸۶؛ ابروانی و نجات‌پور، ۱۳۸۸؛ عسگری، ۱۳۹۱: ۶۳-۴۹)

برخی روان‌شناسان سعی داشتند تفاوت‌های روحی و روانی زن و مرد را بر اساس بافت فیزیکی (بدنی) آنان تبیین کنند؛ چنانکه گفته شده مغز انسان دو نیمکره دارد؛ در نیمکره چپ، اطلاعات کلامی و در نیمکره راست، اطلاعات فضایی مدیریت می‌شود و با افزایش سن، فعالیت دو نیمکره به ویژه در پسران، بیشتر از یکدیگر متمایز می‌شوند. در نتیجه این تمایز، پسران در پردازش اطلاعات فضایی و ریاضی و هندسه تجسمی موفق‌ترند (مان، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۶۷؛ بی‌ریا، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۴۲؛ پیره، ۱۳۷۰: ۱۰۴). پسران در دریافت مفاهیم انتزاعی و فراگیری وازگان مفرد برترند و دختران در مهارت‌های سخنوری و ترکیب کلمات بر پسران برتری دارند و کمتر از پسران لکنت زبان دارند و... (رحمتی، ۱۳۷۱: ۱۹۰)

برخی پژوهشگران به تفاوت فعالیت‌های روانی از جمله قدرت یادگیری زن و مرد اذعان دارند و وضعیت شناخت را در ادوار گوناگون سنی زندگی تابع ترشحات هورمونی می‌دانند و بر همین اساس می‌گویند کنش و واکنش‌های اخلاقی و رفتارهای افراد در موقعیت‌های گوناگون به ترشحات هورمون جنس زن و مرد بستگی دارد. (کارلسون، ۱۳۷۹: ۱۷۶)

امروزه با پیشرفتهای علمی و فناوری و مطالعات عصب‌شناسی، به ویژه پیدایش دستگاههای جدید تصویربرداری دقیق از مغز، اطلاعات بیشتری درباره تفاوت کارکرد مغز مردان با زنان عاید انسان شده است؛ ولی با این وجود، هنوز تبیین متقن و مدلی درباره چگونگی ارتباط شناخت و مغز انسان ارائه نشده است؛ همچنان که تفاوت یا عدم تفاوت معرفتی زن و مرد و میزان و ریشه آن در پژوهشهای پژوهشگران نامشخص است؛ ضمن اینکه مسئله مذکور بیشتر جنبه متافیزیکی دارد تا فیزیکی.

(د) نتیجه گیری

در این پژوهش به تحلیل و نقد دیدگاه غزالی در مسئله معرفت عقلی زن بر اساس آموزه‌های دینی و اندیشه‌های حکما و نگاهی به یافته‌های دانشمندان روان‌شناسی و علوم تربیتی پرداخته شد. غزالی با استناد به حکایات و سخنان عامیانه یا نگاه تک‌بعدی به برخی روایات مبنی بر سست رأی بودن برخی زنان، قائل به ذاتی بودن نقص عقل در زنان شده است. سخنان غزالی در این زمینه ضمن ناسازگاری درونی، با روح حاکم بر آموزه‌های دینی و سخنان حکما در تعارض است. وی از یک سو بر اساس آیات و روایات، زن و مرد را از نفس واحد و همچون حکما دارای نفس ناطقه که واجد قوه عاقله است، می‌داند که در رسیدن به کمال یکسان‌اند و از سوی دیگر، بدون ارائه شواهد نقلی معتبر و دلایل خردپسند، زنان را گرفتار نقصان عقلی ذاتی می‌داند. این مدعای غزالی علاوه بر اشکالات مذکور، با عدل و حکمت الهی ناسازگار و پیامدهای تربیتی عدیده‌ای همچون: ذاتی بودن اخلاق رذیله در زن، ناکارآمدی تعلیم و تربیت در آنها و... را در پی دارد. در حالی که بر اساس آیات و روایات، همه انسانها (زن و مرد) بر فطرت واحد و از یک گوهر و برای رسیدن به یک هدف (کمال) آفریده شده‌اند و یکسان می‌توانند به فضائل اخلاقی و کمال برسند. علاوه بر آنچه گذشت، پژوهشهای روان‌شناسان و دانشمندان علوم تربیتی نیز هرگونه تفاوت محسوس و معنادار میان زن و مرد را در حوزه هوش و یادگیری رد می‌کنند.

پیشنهادها

به طور کلی تفاوت زن و مرد در برخی ابعاد شخصیتی از جمله در بُعد معرفتی مورد پذیرش بیشتر محققان است؛ ولی ابهام در خصوص کیفیت تفاوت و ریشه آن است. پیشنهاد می‌شود: اولاً؛ در تحلیل تفاوتها از واژگان ارزشی یا ضد ارزشی استفاده نشود، چنانکه غزالی و برخی دیگر از اندیشمندان از این الفاظ بهره گرفته‌اند، بلکه به کارگیری واژه «مکملیت» زینده است. زن و مرد نسبت به یکدیگر، هم در نظام تکوین (خلقت) و هم در نظام تشریح (ایفای نقش) مکمل‌اند. ثانیاً؛ این مسائل واکاوی شود: آیا تفاوت مذکور ریشه در سرشت آنها دارد یا ناشی از عوامل محیطی، فرهنگی و اجتماعی است؟ آیا جنسیت در قدرت تعقل تاثیرگذار است؟

محدودیتها

محدودیت منابع در مسئله تفاوت یا عدم تفاوت زنان و مردان در مسئله شناخت به دلیل انجام نشدن پژوهش علمی و فلسفی معتابه در این زمینه.



منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۰). *منطق و معرفت در نظر غزالی*. تهران: امیرکبیر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۲۸ ق). *الشفاء*. قم: ذوی القربی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۴۷ ق). *تدابیر المنازل او السياسات الاهلیه*. بغداد: مطبعه الفلاح.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی (۲۰۰۲ م). *تحف العقول عن آل رسول*. بیروت: اعلمی.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۹۲ ق). *فتوحات مکیه*. قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- اسفرائینی نیشابوری، محمد بن علی (بی تا). *شرح کتاب النجاه لابن سینا (قسم الالهیات)*. حامد ناجی اصفهانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴). *آشنایی با وظایف و حقوق زن*. قم: بوستان کتاب.
- ایروانی، محمود و سعید نجات پور استادی (۱۳۸۸). «*رابطه تپهای شخصیتی (درون گرا و برون گرا)، هوش و جنسیت با شرطی سازی معنایی*». *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان)*، ش ۴۱: ۶۳-۴۱.
- بی ریا، ناصر و همکاران (۱۳۸۵). *روان شناسی رشد با نگرشی به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- پورسینا، زهرا (۱۳۸۸). «*کاربردهای سه گانه عقل در نظر غزالی*». *جاویدان خرد (دانشگاه شهید بهشتی)*، ش ۳: ۸۶-۶۷.
- پیره، روزبه (۱۳۷۰). *روان شناسی اختلافی زن و مرد*. ترجمه حسین سروی. تهران: جانزاده.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *حیات حقیقی انسان در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)*. غلامعلی امین دین. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *زن در آینه جلال و جمال*. محمود لطفی. قم: اسراء، چ ششم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). *نرم افزار حکیم؛ مجموعه آثار آیت الله جوادی آملی*.
- حجازی، الهه و نرجس خاتون ذبیحی حصاری (۱۳۸۶). «*نظریه های ضمنی هوش و باورهای خودکارآمدی: مقایسه تطبیقی بر اساس جنسیت و رشته*». *روان شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)*، سال سی و هفتم، ش ۴: ۸۱-۶۱.
- حسینی نسب، سید داود، رعنا ساکن آذری، و پرویز تاج الدینی (۱۳۸۲). «*بررسی شیوه های اسناد علی و راهبردهای یادگیری در دانشجویان و رابطه آن با هوش، خلاقیت، جنسیت و رشته*

ابراهیم نوری و همکاران ♦ 1141

تحصیلی». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی): ۴۳-۷۲.

- رحمتی، محمدصادق (۱۳۷۱). روان‌شناسی اجتماعی معاصر. تهران: سینا.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). هویت و نقشهای جنسیتی. تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- سزواری، هادی (۱۳۶۱). اسرارالحکم. تهران: مولی.
- سید قطب (۱۹۸۸). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۸۳). شرح اصول کافی. محمد خواجه‌جوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۹۸۳ م). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ پنجم.
- عسگری، پرویز و خدیجه روشنی (۱۳۹۱). «مقایسه هوش فرهنگی، هوش هیجانی، سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز». زن و فرهنگ، ش ۱۲: ۴۹-۶۳.
- علاموند، فریبا (۱۳۹۵). زن در اسلام. قم: هاجر.
- غزالی، محمد (بی تا/الف). احیاء علوم‌الدین. مقدمه دکتر بدوی طبانه. اندونسیا: کریاطه فوترا-سماراغ.
- غزالی، محمد (۱۳۸۷). احیاء علوم‌الدین. مؤیدالدین خوارزمی و حسین خدیو جم. قم: تبیان.
- غزالی، محمد (۱۴۱۶ ق). المنقذ من الضلال مجموعه رسائل الامام الغزالی. بیروت: دارالفکر.
- غزالی، محمد (۱۳۸۲). تهافت الفلاسفه. سلیمان دینا. تهران: شمس تبریزی.
- غزالی، محمد (۱۳۶۱/الف). کیمیای سعادت. محمد عباسی. [بی جا]: طلوع و زرین.
- غزالی، محمد (۱۹۹۴ م). مجموعه رسائل الامام الغزالی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- غزالی، محمد (۱۴۰۹ ق). معارج‌القدس فی مدارج معرفه‌النفس. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- غزالی، محمد (۱۹۹۸ م). معارج‌القدس فی مدارج معرفه‌النفس. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- غزالی، محمد (بی تا/اب). میزان العمل. سلیمان دینا. قاهره: دارالمعارف، چ دوم.
- غزالی، محمد (۱۳۶۱/ب). نصیحه‌الملوک. جلال‌الدین همایی. تهران: بابک.
- فاختوری، حنا و خلیل جر (۱۳۸۶). تاریخ فلسفه در جهان اسلام. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۶۶). السیاست المدنیه. تهران: الزهرا.

1142 ◆ نقد دیدگاه غزالی در مسئله ادراکات عقلی زن

- فارابی، ابونصر (۱۴۰۵ ق). **فصول منتزعه**. تهران: الزهرا.
- کارلسون، کان جی و همکاران (۱۳۷۹). **بهداشت روانی زنان**. ترجمه خدیجه ابوالمعالی و همکاران. تهران: ساوالان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
- مان، نرمان (۱۳۷۵). **اصول روان‌شناسی**. ترجمه محمود صناعی. تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ دوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). **پرسشها و پاسخها؛ ج ۵: حقوق زن در قرآن**. گردآورنده حمید کریمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). **جنسیت و نفس**. هادی صادقی. قم: هاجر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). **نظام حقوقی زن در اسلام**. قم: صدرا، چ سی و چهارم.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۷). **غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی غزالی)**. تهران: زوار.
- **The Holy Quran.**
- Alasvand, Fariba (2016). **Woman in Islam**. Qom: Hajar Publishing Center.
- Amini, Ibrahim (2005). **Familiarity with the duties and rights of women**. Qom: Boostan-e- Kitab press.
- Asgari, Parviz & Khadijeh Roshani (2012). “**Comparison of cultural intelligence, intelligence, individual-social adjustment of male and female students of Islamic Azad University, Ahvaz Branch**”. *Journal of Women and Culture*, No. 12: 49-63.
- Biria, Nasser & others (2008). **Developmental psychology with a view to Islamic sources**. Qom: Seminary and University Research Institute, Samt Press.
- Carlson, Kan Ji & others (2000). **Women's mental health**. Translated by Khadijeh Abolmaali and others. Tehran: Savalan press
- Ebrahimi Dinani, Gholam Hossein (1991). **Logic and knowledge in Ghazali's view**. Tehran: Amir Kabir Press.
- Esfarayeni Neyshabouri, Mohammad Ibn Ali (unpublished). **Description of the book of Al- Nijat of Ibn-e- Sina (part of theology)**. Hamed Najj Esfahani. Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Fakhouri, Hana & Khalil Jar (2007). **History of Philosophy in the Islamic World**. Translated by Abdul Mohammad Ayati. Tehran: Scientific and cultural publications.
- Farabi, Abu Nasr (1947). **Civil politics**. Tehran: Al-Zahra.
- Farabi, Abu Nasr (1984). **Fossil Al- Montaz'e (Abstract seasons)**. Tehran: Al-Zahra

- Ghazali, Mohammad (1994). **Collection of Letters of Imam Al-Ghazali**. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.
- Ghazali, Mohammad (2008). **Ehya Al- Uloom Al- Din (Revival of the Sciences of Religion)**. Moayed al-Din Kharazmi & Hussein Khadiv Jam. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute.
- Ghazali, Mohammad (unpublished). **Ehya Al- Uloom Al- Din (Revival of the Sciences of Religion)**. with Introduction from Dr. Badawi Tabaneh. Indonesia: Kariata Futra-Samaragh.
- Ghazali, Mohammad (1982). **Kimiaye Saadat (Alchemy of Happiness)**. Mohammad Abbasi. placeless: Tolo & Zarrin Press.
- Ghazali, Mohammad (1988). **Ma'arij al-Quds in the degrees of self-knowledge**. Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.
- Ghazali, Mohammad (1998). **Ma'arij al-Quds in the degrees of self-knowledge**. Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.
- Ghazali, Mohammad (timeless). **Mizan Al- Amal (Rate of action)**. Suleiman Dina. Cairo: Dar Al-Maaref, second edition.
- Ghazali, Mohammad (1995). **Al- Monghaz Min Al- Zilal**. Collection of the treatises of Imam Al-Ghazali. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ghazali, Mohammad (1982). **Nasiha al-Muluk**. Jalaluddin Homayi. Tehran: Babak.
- Ghazali, Mohammad (2003). **Tahafat Al- Falasafeh**. Soleiman Dina. Tehran: Shams Tabrizi.
- Hejazi, Elahe & Narjes Khatoun Zabihi Hesari (2007). **“Implicit theories of intelligence and self-efficacy beliefs: A comparative study based on gender and discipline”**. *Journal of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran*, Vol. 37, 4: 61-81.
- Homayi, Jalaluddin (2018). **Ghazali Nameh (biography, works, ideas, literary, religious, philosophical and mystical thoughts of Ghazali)**. Tehran: Zavar Press.
- Hosseini Nasab. Seyed Davood; R'ana Azeri Saken & Parviz Taj al-Dini (2003). **“A study of causal methods and learning strategies of students and its relationship to intelligence, creativity, gender and field of study”**. *Journal of Research and Planning in Higher Education, Institute of Higher Education Research and Planning*, P. 43-72.
- Ibn Arabi, Muhammad ibn Ali (1972). **Al-Fotuhah Al- Makie**. Cairo: The Egyptian Public Library.
- Ibn Shuba Harani, Abu Muhammad Hassan ibn Ali (2002). **Masterpieces of minds about the Messenger**. Beirut: Scientific Publications.
- Ibn Sina, Hussein bin Abdullah (2007). **Al- Shifa**. Qom: Dhavel al-Qurba.
- Ibn Sina, Hussein bin Abdullah (1928). **Family management and policy**. Baghdad: Al-Falah Press.
- Irvani, Mahmoud & Saeed Nejatpour Ostadi (2009). **“Relationship between personality types (introverted and extroverted). Intelligence**

- and Gender with Semantic Conditioning**". *Scientific and Research Journal in Applied Psychology, Islamic Azad University, Khorasgan Branch*, No. 41: 41-63.
- Javadi Amoli, Abdullah (2015). **Hakim Software**.
 - Javadi Amoli, Abdullah (2003). **The real life of man in the Qur'an (thematic interpretation of the Holy Qur'an)**. Gholam Ali Amin Din. Qom: Esra Publishing Center
 - Javadi Amoli, Abdullah (2002). **Woman in the mirror of glory and beauty**. Mahmoud Lotfi. Qom: Esra Publishing Center, sixth edition.
 - Kolini, Mohammad Ibn Yaqub (1996). **Al- Kafi**. Forth Printing. Tehran: Islamic Library.
 - Majlesi, Mohammad Baqir (1983). **Bahar Al- Anvar**. Beirut: Dar Al-Ahiyah Al-Tarath Al-Arabi, Second Edition.
 - Man, Norman (1996). **Principles of Psychology**. Translated by Mahmoud Sanaei. Tehran: Amirkabir Press.
 - Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2012). **Gender and breath**. Hadi Sadeghi. Qom: Hajar Publishing.
 - Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2003). **Questions and Answers; Fifth Vol: Women's rights in the Quran**. Compiled by Hamid Karimi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute
 - Motahhari, Morteza (2003). **Women's Legal System in Islam**. 34th Edition. Qom: Sadra Press.
 - Pira, Rojeh (1991). **Contradictory psychology of men and women**. Translated by Hossein Sarvi. Tehran: Janzadeh Press.
 - Poursina, Zahra (2009). "The three applications of reason in Ghazali's view". *Javidan-e- Kherad Journal (Shahid Beheshti University)*, No. 3: 67-86.
 - Rahmati, Mohammad Sadegh (1992). **Contemporary Social Psychology**. Tehran: Sina Press.
 - Sabzevari, Hadi (1982). **Asrar-Al-Hikam**. Tehran: Mula Press.
 - Sadr al-Mutallahin, Mohammad Ibn Ibrahim Shirazi (2004). **Description of Osol AL- Kafi**. Mohammad Khajavi. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
 - Sayed Qutb (1988). **Fi Zelar Al-Quran**. Beirut: Dar Al-Shorouk.
 - Tabatabai, Mohammad Hossein (1983). **Al- Mizan fi Tafsir Al- Kora'n**. Beirut: Scientific Institute.
 - Tabatabai, Mohammad Hossein (2005). **Translation of Tafsir Al-Mizan**. Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Qom: Islamic Publication Office of the Seminary Teachers Association, fifth edition.
 - Zibai Nejad, Mohammad Reza (2009). **Identity and Gender Roles**. Tehran: presidential Center for Women and Family Affairs.

